



شب قدر را در عالم انفسی بجویم / شبی که با پیامبر گره خورده است

غلامحسین دینانی معتقد است: ما باید لیلۃ القدر واقعی را در عالم انفسی و ملکوت بجویم این حقیقت، در هر شبی که اتفاق افتاده است، مظهر آن لیلی است که در عالم انفسی است.

غلامحسین دینانی معتقد است: ما باید لیلۃ القدر واقعی را در عالم انفسی و ملکوت بجویم این حقیقت، در هر شبی که اتفاق افتاده است، مظهر آن لیلی است که در عالم انفسی است.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: نیمه دوم ماه مبارک رمضان این ویژگی را دارد که یکی از شب های آن شب قدر باشد، لذا مسلمانان این فرصت را غنیمت شمرده و بیشتر شب های نیمه دوم را به شب زنده داری و دعا و مناجات می پردازند. در این مجال نگاهی به آراء و نظریات سه تن از اهالی فلسفه در رابطه با عظمت و حکمت شب های قدر خواهیم داشت.

ابتدا این سوال مطرح است که آیا وقتی خدا اتفاقات یک سال عمر انسان را در شب قدر مقدر می کند، این مسئله با اراده و آزادی انسان منافات دارد؟ یحیی یثربی استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی در پاسخ به این سوال می گوید: به نظر من، این که خداوند حوادث جهان را در شب قدر مقدر می سازد، هرگز با اراده و آزادی انسان منافات ندارد. زیرا، یکی از عوامل موثر در این تقدیر و ساماندهی جدید، رفتار خود انسان هاست. یعنی، انسان ها با رفتار خودشان زمینه را برای ساماندهی سرنوشت خود به وسیله خداوند فراهم می آورند.

وی با بیان اینکه لطف و رحمت و یا عقاب و قهر خدا در شب های قدر بی حکمت نیست می گوید: اگر خداوند در چنین شب shy&؛هایی گروهی را مورد لطف و رحمت قرار می دهد، این لطف و رحمت بی اساس نخواهد بود؛ بلکه به پاداش رفتار نیک انسان shy&؛ها می باشد و اگر وی در چنین شب shy&؛هایی کسی را مورد قهر قرار دهد و سرنوشت بدی برای او رقم زند، باز هم بی اساس و بی دلیل نخواهد بود؛ بلکه به عنوان نتیجه و کیفر رفتار آن شخص خواهد بود.

یحیی یثربی: در شب قدر، خداوند با اراده و تدبیر خود سرنوشت ما را رقم نمی shy&؛زند، بلکه با هدایت و حمایت خود، ما را در جهت تنظیم یک زندگی درست یاری می shy&؛رساند.

وی ادامه می دهد: بنابراین، اینکه مردم امیدوار باشند بدبختی آنان در یک شب تبدیل به خوشبختی گردد، درست نیست؛ بلکه باید توجه داشت که انسان ها، خودشان سرنوشت خود را رقم می shy&؛زند. اگر به راه درست رفته باشند و در حد توان کوشیده باشند، خداوند نیز آنان را در چنین شب shy&؛هایی مورد رحمت و لطف و امداد خود قرار می shy&؛دهد، راه پیشرفتشان را باز می shy&؛کند و آنان را از امکانات بیشتر برخوردار می shy&؛سازد. اما، اگر کسی از روی جهل و نادانی و عشق به مال و جاه، فرصت shy&؛های خدادادی را از دست بدهند و در راه پیشرفت و تکامل گام برندارند، بلکه با دست خود امکانات خداداد shy&؛ی خود را نیز نابود سازند، بی shy&؛تردید نباید انتظار داشته باشند که خداوند در یک شب معین در برابر فرصت shy&؛سوزی shy&؛ها و خطاکاری shy&؛هایشان، آنان را کامیاب کرده، در ردیف پیشتازان و زحمت کشان و مردمان با عقل و تدبیر قرار دهد. چنین چیزی با هیچ منطقی سازگاری ندارد. باید به مردم درباره shy&؛ این نکته آگاهی و هشدار داد.

یثربی با اشاره به اینکه ممکن است منظور از سامان shy&؛دهی کارها در شب قدر، سامان shy&؛دهی تکمیلی آنها نباشد؛ بلکه منظور زبان وحی سامان shy&؛دهی تشریعی کارها باشد، می افزاید: در شب قدر، خداوند بزرگ با فرستادن وحی و قرآن، نظام زندگی انسان shy&؛ها را از هر جهت سامان می shy&؛بخشد تا بتوانند در یک جامعه shy&؛عادلانه و به دور از ستم و تجاوز بزرگ شده، زندگی کنند و در دنیا و آخرت خوشبخت و سعادتمند باشند. بنابراین، در شب قدر، خداوند با اراده و تدبیر خود سرنوشت ما را رقم نمی shy&؛زند، بلکه با هدایت و حمایت خود، ما را در جهت تنظیم یک زندگی درست یاری می shy&؛رساند.

غلامحسین ابراهیمی دینانی نیز در مورد شب های قدر می گوید: واژه لیلۃ القدر، اشاره به قدر دارد. البته که انسان تا اندازه خود را نداند، قدر ندارد؛ که البته نه اندازه کمی؛ چرا که قدر، گاهی به معنی قیمت و بهاست و گاهی به معنای اندازه ریاضی است. ما یک زمانی قدر را به معنای قیمت در نظر می گیریم که در واقع، ارزش و اندازه ای است که کمی و ریاضی نیست. قاعده کلی این است که هیچ چیز و هیچ موجود بدون اندازه ای در عالم وجود ندارد؛ اما

ما برای خداوند اندازه ای قائل نیستیم، بلکه او اندازه آفرین است؛ وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ؛

وی ادامه می دهد: شما در این عالم طبیعت، نمی توانید موجودی را تصور کنید که اندازه نداشته باشد و این اندازه ی کمی است. اما گاهی منظور ما قدر و قیمت است و ارزش و بهای چیزی را در نظر می گیریم. ارزش هم، به یک معنا، همین اندازه است اما قدری بالاتر از آنست. مثلا ارزش معنوی و اخلاقی را فرض کنید. اخلاقیات، ارزش های انسانی هستند. صدق، خوبی، عدالت، امانت، وفای به عهد، همه اینها از یک ارزشی برخوردارند. اینها هم ارزش و اندازه هستند و قدر دارند؛ اما نه قدر کمی هندسی. اینکه گفته اند انسان باید قدر خود را بیابد، بدن انسان از یک اندازه کمی برخوردار است و به طور کلی، هر جسمی و بدن انسان به حکم اینکه یک جسم است، دارای ابعادی است و می توان با قطعیت ریاضی آن را اندازه گیری کرد.

وی می افزاید: اما انسان، از یک اندازه معنوی هم برخوردار است که دیگر نمی توان آن را با متر اندازه گرفت و این همان قدر عقول است. عقل، این اندازه را می سنجد. صدق، وفای به عهد، و زیبایی دارای ارزش و بهایی هستند که عقل آنها را اندازه می گیرد. انسان، همه اندازه ها را در خود دارد. انسان، هم اندازه مادی و هم اندازه معنوی دارد...

وی ادامه می دهد: ارزش معنوی انسان بسیار بالاست. اما در سوره قدر که می فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»؛ این تنها قدر انسان نیست. البته هنگامی که انسان، قدر خود را بشناسد، می تواند قدر همه چیز را بداند. انسان، محیط بر عالم است و صرفا یک موجودی در بین موجودات دیگر در عالم نیست. این کلمه «القدر»؛ با «ال»؛ به این معناست که همه چیز در این شب، قدر و اندازه خودش را می یابد.

غلامحسین دینانی: ما باید لیلۃ القدر واقعی را در عالم انفسی و ملکوت بجویم این حقیقت، در هر شبی که اتفاق افتاده است، مظهر آن لیلی است که در عالم انفسی است و لیلۃ القدری که در این عالم انفسی وجود دارد، همواره از ازل تا ابد هست اما مظهر آن در این عالم می تواند تغییر پذیر باشد و در هر شبی باشد که البته برای اهل خلوت، هرشب اتفاق می افتد

دینانی می افزاید: حافظ می گوید: آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشب است/ یارب این تأثیر دولت از کدامین کوکب است. ما باید لیلۃ القدر واقعی را در عالم انفسی و ملکوت بجویم که البته هر لحظه در این عالم ملک، مظهری از همان ملکوت است و هرچه گردش گردش لیل و نهار و تقویم ها تغییرپذیر باشد، که البته این عالم، عالم تحول و تغییرپذیری است، اما این حقیقت، در هر شبی که اتفاق افتاده است، مظهر آن لیلی است که در عالم انفسی است و لیلۃ القدری که در این عالم انفسی وجود دارد، همواره از ازل تا ابد هست اما مظهر آن در این عالم می تواند تغییر پذیر باشد و در هر شبی باشد که البته برای اهل خلوت، هرشب اتفاق می افتد.

غلامرضا اعوانی نیز حقیقت شب قدر را حضرت رسول اکرم می داند که صاحب مقام حکمت است. وی می گوید: حضرت رسول(ص) خود «لیلۃ القدر»؛ و صاحب مقام قرآنی و مقام حکمت است که از آن به مرتبه «جمع الجميع»؛ تعبیر می شود و همه اهل ایمان - بسته به درجه ایمان خود - از این حکمت الهی بهره دارند که کمال آن متعلق به پیامبر(ص) و سپس حضرت امیرالمومنین(ع) به عنوان وصی و وارث حکمت پیامبر(ص) است. وی ادامه می دهد: ما هرگز نباید فراموش کنیم که قرآن خود را به عنوان کتاب حکمت و حضرت رسول(ص) و همه انبیا(ع) را در مواضع مختلف به عنوان معلم حکمت تلقی کرده و متأسفانه این نکته در جهان اسلام فراموش شده است.

اعوانی می گوید: پوشیده نیست که قرآن، حضرت رسول(ص) را «یَعْلَمُهُمُ الْكِتَابُ وَالْحِكْمَةُ»؛ معرفی کرده و این مطلب بارها به تعبیرات مختلف در قرآن آمده است. قرآن این مطلب را نه «تنها درباره حضرت رسول(ص)، بلکه درباره برخی از پیامبران دیگر نیز آورده است. در یک آیه قرآن تصریح شده که خداوند از همه پیامبران (ع) میثاق گرفت که در ازای حکمتی که به آنها آموخته، به پیامبری که در آخرالزمان خواهد آمد و خاتم النبیین خواهد بود، اقرار و اذعان کنند. در ابتدای این آیه آمده است که «خداوند از انبیا(ع) میثاق گرفت که در ازای حکمتی که به آنان داده...»؛ این نکته نشان می دهد که این «حکمت»؛ بین همه انبیا(ع) و کتب و رسل، عام است. این یک اصل فراموش شده است و باید در این آیات بسیار دقت و آنها را بررسی کرد.

وی می افزاید: نکته دیگر آن است که باید توجه کرد که وارث این حکمت کیست و آیا هر کسی می تواند وارث این حکمت باشد؟ آن کسی وارث این حکمت می تواند باشد که از حیث معنا و حقیقت، وارث رسول(ص) و الله(ص) باشد؛ امام علی(ع) در درجه نخست، وصی رسول خدا(ص) شناخته می شود و همگان به این نکته اقرار

کرده‌اند. امام علی(ع) کسی است که پیامبر (ص) درباره ایشان فرمود: «إنا مدينةالعلم و علی بابها»; این کلام بسیار مهم است؛ به مدینه نمی‌توان وارد شد مگر از درب آن؛ کلید درب، در دست علی (ع) است و ایشان دربان آن است. این به جهت آن است که ایشان ولی‌الله اعظم، راس ولایت و صاحب ولایت مطلقه الهیه هستند. بنابراین تنها علی(ع) می‌تواند وارث حکمت پیامبر (ص) باشد و اوست که قرآن ناطق است.

غلامرضا اعوانی: شب قدر با شخصیت پیامبر (ص) و امام علی (ع) گره خورده است. این شب قدری که داریم، بیان زمینی شب قدر اصلی است که در ذات الهی است؛ همه‌چیز مقدر و متعین شده و قرآن از ذات حق نازل شده است و «إنا أنزلناه فی ليلةالقدر» اشاره به همین معنا دارد

اعوانی ادامه می دهد: شب قدر با شخصیت پیامبر (ص) و امام علی (ع) گره خورده است. این شب قدری که داریم، بیان زمینی شب قدر اصلی است که در ذات الهی است؛ همه‌چیز مقدر و متعین شده و قرآن از ذات حق نازل شده است و «إنا أنزلناه فی ليلةالقدر» اشاره به همین معنا دارد. مقدر شده که قرآن به حضرت رسول (ص) نازل شود و خود حضرت رسول (ص)، «ليلة‌القدر» و صاحب مقام قرآنی است و اگر ليلة‌القدر نبود، قرآن به قلب مبارک ایشان نازل نمی‌شد. آن حضرت صاحب مقام و مرتبه قرآنی است که از آن به مرتبه «جمع الجميع» تعبیر می‌شود؛ «مقام جانفزایش جمع جمع است...» اگر پیامبر (ص) صاحب مقام قرآنی نبود، قرآن بر او نازل نمی‌شد؛ پس این مقام نخستین تعین ذات است.

وی می گوید: تعین ذاتی که آن مقام قرآنی و آن مقام حقیقت محمدی است و این مقام حقیقت محمدی با آن مقام قرآنی در آن ذات با هم ارتباط دارند و در این مرتبه نزول نیز در شب قدر نازل شده است: «صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی»; آنچه در آنجا مقدر شده به همان صورت نازل شده است. بنابراین این مقام قرآنی که مقام حکمت است و بر قلب حضرت رسول (ص) نازل شده، واقعا نکته بسیار مهمی است. همه اهل ایمان - بسته به درجه ایمان خود - از این حکمت الهی بهره دارند، اما کمال آن متعلق به حضرت رسول (ص) و سپس آن کسی است که حضرت او را باب مدینه علم و برادر خود(در ماجرای بسیار مهم عقد اخوت)خواند.

غلامرضا اعوانی معتقد است: بنابراین هر که از ایمان و ولایت‌الهی بهره دارد، به همان میزان از حکمت بهره دارد و به همین جهت است که حکمت در سرزمین تشیع رشد پیدا کرده است. اگر سیر حکمت را در جهان اسلام دنبال کنیم، مشاهده می‌کنیم که این سیر حکمت در بلاد دیگر اسلامی نبوده و آنان همه مخالف حکمت بودند، زیرا همگی مخالف عقل بودند؛ عقلی که در قرآن و کلام ائمه معصومین(ع) آن همه مورد تاکید قرار گرفته است (همچنان‌که برای نمونه باب نخست کتاب اصول کافی به «عقل و جهل» اختصاص یافته است و...).

وی می گوید: هدایت‌الهی که در تعالیم و کلمات حضرت امیر مومنان علی (ع) به عنوان جانشین و خلیفه رسول‌الله (ع)، تالی تلو پیامبر (ص) و قرآن ناطق و ناطق بحق بوده، به جامعه اسلامی منتقل شده است البته حکیم یکی از نام‌های خداوند است و اختصاص به قوم خاصی ندارد. خداوند همه اقوام را آفریده و آنان را هدایت کرده و انبیا (ع) و اولیا و حکما در هر جا که بوده‌اند، از حکمت بهره داشته‌اند.

اعوانی معتقد است: کلمه قرآن جامع حکمت است و پیامبر (ص) خود فرموده است که «اوتیت جوامع الکلم». بنابراین قرآن یک دید بسیار جهانی دارد و حکمت‌های دیگر را نفی نمی‌کند و در پرتو تعالیم ائمه اطهار(ع) و خاصه در راس آنها علی (ع)، یک جریان عمیق و دقیقی به نام حکمت الهی در جهان اسلام به منصفه ظهور رسیده که تا به امروز هم آثار و برکات آن را می‌بینیم.